

## هدیه‌های آسمانی

به نام خدای مهربان  
به عنوان معلم، در هر سال تحصیلی، تعدادی دانش‌آموز به ما هدیه می‌شود؛ هدیه‌هایی که به راستی آسمانی‌اند؛ پاک و بی‌آلایش؛ دوست‌داشتنی و معصوم؛ بزرگ و بزرگوار.  
عارف‌ترین موجودات روی زمین همین کودکان‌اند که می‌توانند راهنمای زندگی ما باشند. دوست‌داشتنشان همان آرامشی را به ما می‌دهد که یاد خداوند بزرگ نیز می‌دهد.

کودکان از هر موجود روی زمین به خدا نزدیک‌تر و راستگوترند. صادقانه‌ترین رفتارها را می‌توان در منش آن‌ها یافت و صداقت را از آن‌ها آموخت. چرا که به فطرت الهی نزدیک‌ترند و هنوز گرد و غبار نامهربانی بر تن و روحشان ننشسته است. اگر هم کودکی چنین ویژگی‌هایی ندارد، بی‌گمان تقصیر بزرگ‌ترهایی است که آن‌ها را زودتر از موعد به دنیای بزرگ‌سالی هل داده‌اند. نه تنها بزرگ‌ترها، که رسانه‌ها هم نتوانسته‌اند آن‌ها را در همان عالم کودکی نگه دارند. دنیای بزرگ‌سالی بسیار نیرومندتر و قوی‌تر از جثه‌ی نحیف این موجودات معصوم است.

گاهی از خود می‌پرسیم، به عنوان معلم، چه کاری از دستمان برمی‌آید؟ آیا قدرت ایستادگی در مقابل تمام شرایط بد فرهنگی و محیطی که این کودکان را محاصره کرده‌اند داریم؟ و به خود جواب می‌دهیم، نیازی به ایستادگی نیست. کافی است کودک شویم و ویژگی‌های ذاتی کودکی را در خود تقویت کنیم و کودک بودن هدایایی را که به ما هبه کرده‌اند بپذیریم.

کودک بودن به معنای زیر دست بزرگ‌ترها بودن نیست. بزرگ بودن هم به معنای فرماندهی کودکان نیست! ما همراه آن‌ها هستیم که با هم بیاموزیم. ما به عنوان معلم، باید بتوانیم نقش یادگیرنده را بازی کنیم. می‌توانیم چون هدیه‌ای گران‌بها از آن‌ها مراقبت کنیم. در چنین صورتی، آن‌ها هم از ما مراقبت خواهند کرد. آن‌ها هدیه‌های آسمانی به ما و ما هدیه‌ی آسمانی برای آن‌ها خواهیم بود. و هر دو از هم مراقبت خواهیم کرد.

آفرینش چنین حالی دور از دسترس نیست. کافی است نگرشمان را تغییر بدهیم، تغییر نگرش خود به خود رفتار ما را تغییر خواهد داد. کودکان بی‌آنکه بدانند از ما الگوبرداری می‌کنند و ما بی‌آنکه هشیار باشیم، الگوی آنان هستیم. نیازی به هشیاری لحظه به لحظه نداریم. خوب است مدتی روی نگرش‌هایمان کار کنیم و آن‌ها را متعالی کنیم. رفتار از افکار ما خلق می‌شود.

بخش عظیمی از موفقیت ما در حرفه‌مان به همین تغییر نگرشمان وابسته است. قرار نیست از کودکان چیزی بسازیم. اگر شرایط ساخته شدن را فراهم کنیم، آن‌ها خودشان را خواهند ساخت. کافی است بدانیم که ما اجازه نداریم آن‌ها را به سمت بزرگ‌سالی هل بدهیم و می‌توانیم کاری کنیم که کودکی خود را فراموش نکنند و خودمان به کودکی خودمان بازگردیم. کافی است به نکاتی که گفته شد توجه کنیم و این کار آسانی نیست، وقتی خود ما در محاصره‌ی انواع نگرش‌های نادرست هستیم که از هر سو به ما القا می‌شوند. کافی است به یاد بیاوریم که اگر کودک بودیم دوست داشتیم با ما چگونه رفتار شود. همین‌ها برای معلم بودن کافی است.

برای آشنایی بیشتر با مفهوم «نگرش» نوشتار صفحه‌ی ۳۹ را مطالعه کنید.